

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ اکتوبر ۲۰۲۰

## "غنی احمدزی" قصة "عبدالله" را مفت ساخت!

چهارشنبه - ۱۶ میزان ۱۳۹۹ - کابل: حتماً شما هم به خاطر دارید که هفته قبل "عبدالله عبدالمود" مسافرتی سه روزه به پاکستان داشت، این را هم اطلاع دارید که برخورد و پیشامد پاکستانیها نسبت به مهمان شان چنان گرم و احترام آمیز بود که به گفته برخی ها، در تاریخ پاکستان سابقه نداشت، این را هم حتماً شنیده اید که مهمان نوازی شاهانه پاکستان بیشتر از همه به مذاق "عبدالمود" خوش آمده به همان نسبت "غنی احمدزی" را متأثر و ناراحت ساخت و از این که در تمام آن ۳ روز حتماً برای یک بار هم که شده اسمی از وی به میان نیامد، چوکره هایش به خصوص "محب" را وظیفه داد تا با مصاحبه اش در مورد مناطق ورای دیورند و با قاطعیت تعلق آن را به افغانستان اعلام داشتن، شیرینی کام "عبدالمود" و مقامات پاکستانی را حد اقل از دید رسانه ها تلخ نماید.

"عبدالمود" به دنبال بازگشت از پاکستان برای ادامه لذت "دال و چپاتی" در زیر دندانهایش، خواست با رفتن به هند، یعنی به جایگاه اصلی "دال و چپاتی"، لذت مدام را برای خود تدارک ببیند، در یاد داشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم. اما قبل از آن:

۱- این نکته را باید بنویسم که در یادداشت امروز آگاهانه نه بر سیاست های هندوستان در قبال افغانستان، نه در قبال اهمیت ستراتیژیک روابط بین هند و افغانستان، نه در قبال اختلافات مرزی و ستراتیژیک بین هند و پاکستان و نه هم در قبال نقش تضاد بین آن دو قدرت در تنظیم مناسبات افغانستان با آنها، بحث صورت خواهد گرفت. بلکه بحث به همان سان که در عنوان نیز برجسته شده، صرف به نقش "غنی احمدزی" در ناکام ساختن و بی اعتبار نمودن "عبدالمود" آنهم در حدی که بعد از ۲۴ ساعت حتماً یک کلمه از آن در رسانه ها انعکاس نیابد، محدود می ماند.

۲- این که مسافرت "عبدالمود" و هیأت همراهش خلاف، مسافرتش به پاکستان، بی سر و صدا و حتماً بی اهمیت و بی ارزش می گردد در کل دو عامل باعث آن می باشد:

الف- نخستین عاملی که این مسافرت حتماً در سطح یک مسافرت عادی نیز تا حال انعکاس نیافته، تا چه رسد به این که به مانند پاکستان فرش قرمز سر راهش پهن گردد، بر می گردد از دید هندی ها به نمک ناشناسی شخص "عبدالمود" و چنان خود را به دامان پاکستان انداختن و مسحور آنها شدن، توگویی اصلاً نه روابطی بین "عبدالمود" و هند و وجود داشته و نه هم در تمام مدت هندوستان از "جمعیت اسلامی- شورای نظار" حمایت همه جانبه نموده است.

این برخورد فراموشکارانه "عبدالمود"، هندوستان را وادار ساخت تا ضمن موافقت با مسافرتش و یا بهتر است نوشت با فراخواندن وی به نام دعوت، او را تنبیه نمایند و به وی بفهمانند که نباید هیچ گاهی از یاد ببرد که نمی تواند همزمان روی دو زین سواری نماید. از همین رو تا حال با وی چنان برخورد صورت گرفته توگویی دولت هندوستان هیچ از رسیدنش به هندوستان اطلاع ندارد و اگر هم اطلاع دارد، برای شان کمترین ارزشی ندارد.

این که چنین بی توجهی و برخورد تحقیر آمیز، علی رغم آن که "عبدالمود" نماینده مردم ما نیست و از موضع یکی از نوکران استعمار و ارتجاع به چنین مسافرتی دست یازیده، از دید دیپلماتیک سرانجام اهانت به کشور ماست، امری نیست که "عبدالمود" را آزار دهد، زیرا وی در مکتبی بزرگ شده که درخت های آنچنانی را سایه سر شان بدانند.

ب- دومین عامل و حتا برجسته ترین عامل در بی ارزش جلوه دادن مسافرت "عبدالمود" به هند، مسافرت غیر منتظره و ناگهانی "غنی احمدزی" و هیأت بلند رتبه اش به قطر بود. "غنی احمدزی" با انتخاب زمان مسافرت، بحث ها، با مصاحبه ها و دید و وادید های پیهمش در قطر، چنان توجهات رسانه های منطقه ئی، جهانی و کشوری را به خود معطوف ساخت، که کمتر کسی بدین فکر افتاد تا از "عبدالمود" خبری بگیرد و بپرسد که حالش چطور است.

"غنی احمدزی" و یارانش با این حرکت نشان دادند که از لحاظ سیاسی فرسنگها نسبت به نادان خوش لباس اسلام سیاسی جلوتر هستند و می توانند برای سالیان سال آنها را از صحنه بیرون نموده به دم خر خویش ببندند.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزعلائیجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**